

واژه های مهم

چالدران: منطقه ای در استان آذربایجان غربی که جنگی در آن رخ داد
 نمناک: مرطوب و خیس
 طبیب: پزشک
 توده: هر چه که یک جا جمع شده باشد

توضیحات بیت های متن

بیت اول:

ای هدهد صبا به سبا می فرستمت
 بنگر که از کجا به کجا می فرستمت
 هدهد: پرنده شانه به سر
 صبا: باد بهاری
 سبا: نام یک سرزمین
 نثر روان: ای باد صبا، تو را به عنوان پیک، به سرزمین سبا می فرستم. ببین که تو را از کجا به کجا می فرستم.
 هدهد صبا: ← تشبیه (باد صبا به هدهد تشبیه شده است)
 صبا و سبا: ← جناس
 « بیت اشاره دارد به داستان حضرت سلیمان و بلقیس »

بیت دوم:

حیف است طایری چو تو در خاکدانِ غم
 زین جا به آشیان وفا می فرستمت
 خاکدان غم: ← کنایه از دنیا
 چو تو: ← تشبیه
 آشیان وفا: خانه معشوق (خدا)
 نثر روان: حیف است پرنده ای مانند تو در این دنیا باشد، بنابراین تو را به سوی عشق و وفاداری می فرستم.

واژه های مهم

نیرنگ: فریب

استعمال: استفاده کردن

تحریم: منع کردن، جلوگیری کردن از چیزی

تنگنا: سختی

مرجع تقلید: کسی که در مسائل دینی از او تقلید کنند

توطئه: کشیدن نقشه برای نابودی کسی

دانش ادبی: جناس

جناس: دو یا چند کلمه که حروف مشترک دارند و از یک جنس هستند و تنها در یک حرف یا صدا، اختلاف دارند. جناس باعث زیبایی و خوش آهنگی شعر و نثر می‌شود.

مثال:

* آن کس است اهل اشارت که بشارت داند.{ **اشارت و بشارت:** جناس هستند زیرا حروف مشترک دارند و تنها در یک حرف، اختلاف دارند }* خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد به آب دیده و خون جگر، طهارت کرد{ **نماز و نیاز:** جناس هستند زیرا حروف مشترک دارند و تنها در یک حرف، اختلاف دارند }* کفر است در طریقت ما کینه داشتن آیین ماست سینه چو آینه داشتن{ **آیین و آینه:** جناس هستند زیرا حروف مشترک دارند و تنها در یک حرف، اختلاف دارند }* ای مهر تو در دلها، وی مهر تو بر لبها{ **مهر و مهر:** جناس هستند زیرا حروف مشترک دارند و تنها در یک صدا، اختلاف دارند }

نکته: گاهی دو واژه در خواندن و نوشتن یکسان اند؛ اما در معنی متفاوتند و جناس محسوب می‌شوند.

مانند: برادر که در بند خویش است نه برادر نه خویش است «خویش و خویش» جناس هستند.↓
فامیل↓
خود

نام خوش بو

نثر: ساده و روان برگرفته از کتاب «رسالة قشيره» نوشته ابوالقاسم قشیری

یکی از عارفان روزی در راه، کاغذی دید که نام مبارک پروردگار (بسم الله) بر آن نوشته شده بود و مردم پای بر آن می نهادند و می گذشتند.

عارفان: جمع عارف، خداشناسان ✨
مبارک: با برکت ✨

نثر روان: روزی یکی از خداشناسان در راهی کاغذی دید که نام بابرکت خداوند بر روی آن نوشته شده بود و مردم بر روی آن پا می گذاشتند و عبور می کردند.

ایستاد و کاغذ را برگرفت و آن کاغذ را معطر گرداند و اندر شکاف دیوار نهاد تا از آسیب پای رهگذران در امان باشد.

برگرفت: بلند کرد ✨
معطر: خوش بو ✨
اندر: در ✨

نثر روان: ایستاد و کاغذ را بلند کرد و آن را خوش بو کرد و در شکاف دیواری گذاشت تا رهگذران بر روی آن پا نگذارند.

مدت ها گذشت. شبی به خواب دید که ندایی به او می گوید: «ای دوست نام من خوش بو کردی و مرا بزرگ داشتی و حرمت نهادی. ما نیز نام تو معطر گردانیم، در دنیا و آخرت تو را بزرگ و گرامی خواهیم داشت».

ندا: صدا ✨
حرمت نهادن: احترام گذاشتن ✨

نثر روان: مدت ها گذشت. شبی در خواب دید که صدایی به او می گوید: ای دوست من! بخاطر اینکه به من احترام گذاشتی و نام من را خوش بو کردی من هم نام تو را خوش بو می کنم و تو را در دنیا و آخرت بزرگ و عزیز خواهم کرد.

تاکید حکایت بر احترام به نام های پروردگار بزرگ است.